

بعد از ۱۱ سال وقفه انجام می‌شود

رویارویی بزرگ خودرویی‌ها در تهران

● شرکت‌ها، کمپانی‌ها، صنعتگران و تولیدکنندگان بزرگ خودرو از ایران و دیگر کشورهای مختلف جهان پس از ۱۱ سال وقفه در نمایشگاه بین‌المللی خودروی تهران حضور می‌یابند و جدیدترین تولیدات خود را ارائه و به نمایش عموم می‌گذارند. به گزارش روابطعمومی و اطلاع‌رسانی نمایشگاه بین‌المللی خودروی تهران، در آستانه توافقات مهم و سرمایه‌گذاری جدید در خودروسازی ایران، شرکت‌های مختلف خودروسازی کشورمان در نمایشگاه بین‌المللی خودروی تهران توانمندی‌های خود را در کنار شرکت‌های خارجی به نمایش می‌گذارند. استقبال شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ جهان برای حضور در ایران که پس از سال‌ها و در نتیجه توافق هسته‌ای صورت‌گرفته (برجام)، انجام شده، می‌تواند زمینه‌ای برای انتقال دانش و فناوری روز صنعت خودرو و جذب سرمایه‌های خارجی در این صنعت باشد. در این نمایشگاه که با حمایت وزارت صنعت، معدن و تجارت و زیرمجموعه‌های این وزارتخانه برگزار می‌شود، بیش از ۲۰۰ تولیدکننده و شرکت‌های بزرگ خودروساز داخلی از ایران و کشورهای کره‌جنوبی، ژاپن، چین، ترکیه، فرانسه، آلمان، انگلیس، اسپانیا، ایتالیا و تایوان حضور دارند. ایران‌خودرو، سایپا، پارس خودرو، بی‌ام‌و، اسکاتیا، ولوو، رنو، میتسوبیشی، ام‌جی، هیوندا، تویوتا، کیا، نیسان، ام‌وی‌ام، ماموت، سایک‌موتور، جری، ی‌سی‌وای‌دی، دی‌اس، فوسو،یو‌ای‌دی، مایان و برخی شرکت‌های بزرگ خدماتی مانند پروفیکار، لیکومولی، کاسپین و گلدستون در نمایشگاه بین‌المللی خودروی تهران حضور می‌یابند که این حضور بیان‌کننده بازشدن فضایی جدید در کشور است. در نمایشگاه بین‌المللی خودروی تهران برای اولین‌بار ۳۰ دستگاه خودروی کلاسیک روز جهان از سوی فدراسیون جهانی خودروهای کلاسیک، ارائه و به نمایش عموم گذاشته خواهد شد. با توجه به اهمیت هوای پاک و معضل آلودگی هوای کلان‌شهرها ازجمله تهران، یکی از سالن‌های نمایشگاه بین‌المللی خودروی تهران به خودروهای هیبریدی و برقی اختصاص داده شده است. این نمایشگاه هر روز از ساعت ۱۲ تا ۲۰ در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی شهر آفتاب آماده بازدید علاقه‌مندان خواهد بود.

ادامه از صفحه ۵

توسعه روستایی پایدار و اقتصاد سبز

۴) هدف افزایش رفاه نسل فعلی و نسل آینده با صیانت و حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست است. ۵) توسعه با مردم و به‌وسیله مردم صورت می‌گیرد، دولت‌ها تسهیلگر هستند نه مداخله‌کننده. در فرایند دستیابی به توسعه پایدار روستایی، اهداف و اصول اصلی اقتصاد سبز یعنی صیانت و حفاظت از تنوع زیستی و اکوسیستم‌ها، کاهش فقر، افزایش رفاه و بهبود معیشت، حمایت اجتماعی و دسترسی به خدمات، حاکمیت قانون و هم‌راستاری اصول دموکراتیک، مشارکت، پاسخ‌گویی شفاف و بآیناث، درونی‌سازی پیامدهای خارجی به این معنا که همه هزینه و منافع بیرونی و ناملموس در محاسبات لحاظ می‌شود، تحقق توسعه پایدار یعنی تعادل بین سه عرصه محیط زیست، اقتصاد و جامعه، توسعه مشاغل سبز و کار شایسته (اشتغال مولد با چهار مؤلفه آزادی، برابری، امنیت و کرامت انسانی است که هدف و استراتژی سازمان بین‌المللی کار است). کارآمدی منابع و انرژی، احترام به محدودیت‌های زیست‌محیطی در نظر گرفته می‌شود. از طرف دیگر فعالیت‌های اقتصاد سبز از قبیل فناوری‌های سبز، مدیریت مواد زیلد و پزباله‌ها، مدیریت پایدار آب، گردشگری سبز، سازه‌ها، خدمات و زیرساخت‌های پایدار، سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های طبیعی (به‌عنوان مثال تالاب‌ها و جنگل‌ها)، مدیریت پایدار زمین‌های کشاورزی و جنگل، سازگاری آب‌وهوایی، بهره‌وری انرژی در تولید، مواد قابل بازیافت، ایجاد ارزش‌افزوده مطابق با مسائل زیست‌محیطی، بهره‌وری انرژی در طول زنجیره عرضه به توسعه پایدار روستایی کمک می‌کند. کشورهای جهان با توجه به هم‌پوندی اقتصاد سبز در توسعه پایدار، تلاش‌های گوناگونی کرده و برنامه‌های توسعه پایدار را ملزم به رعایت اصول سبز می‌کنند. به‌عنوان نمونه در کشور برزیل دولت برای توسعه پایدار برنامه PRONAF را اجرا کرده؛ یعنی توجه به کسب‌وکار کشاورزی، جنگل، گردشگری روستایی، جوانان و زنان. در این برنامه هدف حمایت از کشاورزی خانوادگی در مناطق روستایی به منظور ایجاد الگوی جدید توسعه پایدار درون‌زا است. این برنامه به دنبال ایجاد ارزش اقتصادی، اجتماعی و حفاظت و صیانت از تنوع زیست‌محیطی در سیستم کشاورزی خانوادگی است. دولت در این برنامه همچنین به دنبال کاهش نابرابری‌های موجود میان مناطق مختلف کشور است. در ۱۰ سال (۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶) این طرح اجرا شد و حدود ۱٫۸ میلیون کشاورز در این طرح حضور داشتند که دولت میزان کمک‌های مالی خود را از ۵۰۰ میلیون رال (پول برزیل) از سال ۱۹۹۶ به بیشتر از ۱۰ میلیارد رال در سال ۲۰۰۵ رسانده است که بیش از ۵۵ میلیارد رال در کشاورزی خانوادگی برزیل در این دوره به وسیله دولت سرمایه‌گذاری شده است. (Governo Federal، ۲۰۱۰؛ Schneider & Aquino; Mattei، ۲۰۱۱). دستیابی به شاخص‌های توسعه روستایی پایدار و اقتصاد سبز نیازمند توجه و حمایت دولت است.

تجارب کشورهای مختلف جهان در عبور از اقتصاد دولتی و جذب مشارکت حداکثری و موفقیت‌آمیز بخش خصوصی در عرصه اقتصاد، نشان داده است فراهم‌کردن بسترهای مناسب برای ایجاد یک تعامل و تعادل منطقی و هم‌گرا بین دولت و بخش خصوصی، کلیدی‌ترین و درعین حال تأثیرگذارترین مؤلفه در مرحله گذار اقتصادی است. تجربه خصوصی‌سازی در ایران به اوایل دهه ۷۰ شمسی برمی‌گردد، ولی با گذشت بیش از ۲۵ سال از شروع این سیاست اقتصادی در کشور، هنوز می‌توان به جرئت ادعا کرد در آغاز راه قرار داریم و موفقیت چندان در این عرصه حاصل نشده است. با وجود این، صنعت پتروشیمی کشور به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم و استراتژیک کشور در بیش از یک دهه اخیر که سهم درخور توجهی در اقتصاد ملی را به‌خود اختصاص داده، از صنایع پیشرو در واگذاری به بخش‌های غیردولتی در ۱۰ سال گذشته بوده است. هرچند نقایض فراوانی در نحوه واگذاری و بنگاه‌های این بخش در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ وجود داشته و نقش بخش خصوصی واقعی در آن بسیار کم‌رنگ است، اما شاید بتوان ادعا کرد با توجه به مشخصه‌های اقتصاد تک‌محصولی و نفتی ایران و فضای کسب‌وکار داخلی در کنار ریسک‌های موجود و همچنین وضعیت اقتصادی نامناسب دولت در شروع واگذاری‌ها، گزینه حضور بخش‌های شبه‌دولتی در بنگاه‌های اقتصادی، تقریباً تنها گزینه موجود بود، چراکه از یک طرف هنوز بسترها و زیرساخت‌های حقوقی و قانونی برای این تحول بزرگ اقتصادی فراهم نشده بود و از طرف دیگر، فضای کسب‌وکار داخلی به دلیل وجود ریسک‌های ساختاری بسیاری در حوزه‌های مختلف تجاری و تولیدی گریبان‌گیر اقتصاد کشور بود. علاوه بر این، پتانسیل درخور توجهی نیز در بخش خصوصی واقعی برای دراختیار گرفتن این حجم عظیم از واگذاری‌ها وجود نداشت و بخش خصوصی خارجی نیز بنا بر دلایل مختلف اقتصادی و سیاسی و ریسک‌های بالای کسب‌وکار در ایران، انگیزه چندان برای حضور مستقیم در این بخش را نداشت. به‌هر ترتیب با وضعیت فعلی حاکم بر مناسبات مدیریتی و مالکیتی صنایع پتروشیمی ایران، می‌توان ادعا کرد در حال حاضر سهم مالکیت دولت در این صنعت بزرگ و پرمزیت کشور فقط به حدود ۲۰ درصد از سهام هلدینگ پتروشیمی خلیج‌فارس محدود شده و درواقع فعالان اصلی صنعت پتروشیمی را بخش‌های غیردولتی کشور تشکیل می‌دهند. با این شرایط و با توجه به محدودیت‌های قانونی دولت در سرمایه‌گذاری‌های جدید، بدون شک هرگونه توسعه‌ای در این صنعت صرفاً از طریق بخش خصوصی داخلی و خارجی محقق خواهد شد؛ بنابراین ضروری است دولت به عنوان حاکمیت و بخش خصوصی و غیردولتی به‌عنوان مجریان واقعی برنامه‌های توسعه، مناسبات و روابط مابین خود را متناسب با شرایط موجود مورد بازنگری و اصلاحاتی اساسی و انقلابی قرار دهند. متأسفانه مطالعه و بررسی وضع موجود و روند تحولات این صنعت در بخش حاکمیت و اجرا در طول سال‌های گذشته حاکی از عمدتاً تقابل به جای تعامل بین این دو نهاد نقش‌آفرین در صنعت پتروشیمی بوده است. جداسازی بنگاه‌های فعال در صنعت پتروشیمی از بدنه دولت و هم‌زمانی آن با کاهش درآمدها و همچنین آثار نامناسب تحریم‌های اقتصادی بر قدرت مالی دولت باعث شد که بخش حاکمیت در عمل نتواند جایگاه بخش خصوصی را در صنعت پتروشیمی به رسمیت شناخته و بسترهای لازم را برای تعامل و ایجاد فضای اعتماد و امن برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی فراهم کند و ازهمین‌روست که در عمل شاهد موفق‌نبودن برنامه‌های توسعه این صنعت در سال‌های گذشته هستیم. در همین چارچوب عدم اعتماد و تقابل، مفاهیم و ارزش‌های اقتصادی نیز جای خود را به صدارزش‌ها داده و به‌این‌ترتیب فاصله حاکمیت و بخش خصوصی به صورت فزاینده‌ای افزایش یافته است. از مفاهیم و ارزش‌هایی مانند مزیت اقتصادی به‌عنوان رانت اقتصادی، از صاحبان سرمایه به‌عنوان رانت‌جویان و از انتقاد بخش خصوصی به عملکرد دولت، تحت عنوان «عدم توانایی بخش خصوصی در مدیریت بنگاه‌های اقتصادی» و «نقض‌زدن این بخش» تعبیر می‌شود. به‌عبارت دیگر، فاصله زیاد بین بخش خصوصی و حاکمیت و عدم بهره‌مندی‌شان از جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد ملی و تن‌دادن به قواعد جدید بازی، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین راز موفق‌نبودن سیاست‌های خصوصی‌سازی در اقتصاد و به تبع آن، در اقتصاد پتروشیمی است.

قطعا آنچه تاکنون به‌عنوان جایگاه حاکمیت و بخش خصوصی در اقتصاد ملی مورد اشاره قرار

اقتصاد

نگاهی ساختاری به الزامات توسعه صنعت پتروشیمی

*فریبرز کریمایی**

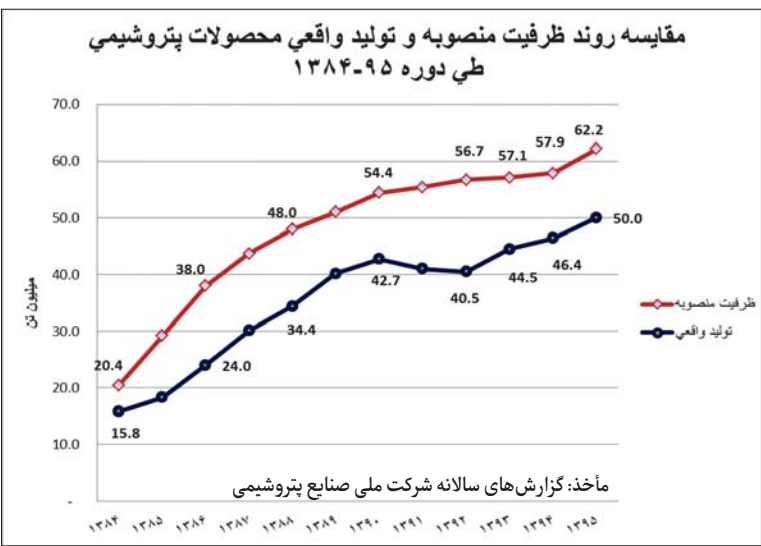


گرفت، زیربنای اساسی در میزان موفقیت سیاست‌های خصوصی‌سازی در صنعت پتروشیمی بود و بدون شک علاوه بر آن موارد اساسی و مهم دیگری نیز برای موفقیت در توسعه این صنعت بزرگ وجود دارد که در مجالی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

روند توسعه صنعت پتروشیمی از گذشته تا حال

صنعت پتروشیمی ایران در حدود ۵۰ سال پیش با احداث کارخانه کود شیمیایی مرودشت شیراز به منظور تأمین نیازهای بخش کشاورزی پایه‌گذاری و در این سال‌ها با فرازونشیب‌های فراوانی روبه‌رو شد. برخورداری از عظیم‌ترین منابع هیدروکربوری گاز در حوزه‌های مختلف تجاری و تولیدی گریبان‌گیر اقتصاد کشور بود. علاوه بر این، پتانسیل درخور توجهی نیز در بخش خصوصی واقعی برای دراختیار گرفتن این حجم عظیم از واگذاری‌ها وجود نداشت و بخش خصوصی خارجی نیز بنا بر دلایل مختلف اقتصادی و سیاسی و ریسک‌های بالای کسب‌وکار در ایران، انگیزه چندان برای حضور مستقیم در این بخش را نداشت. به‌هر ترتیب با وضعیت فعلی حاکم بر مناسبات مدیریتی و مالکیتی صنایع پتروشیمی ایران، می‌توان ادعا کرد در حال حاضر سهم مالکیت دولت در این صنعت بزرگ و پرمزیت کشور فقط به حدود ۲۰ درصد از سهام هلدینگ پتروشیمی خلیج‌فارس محدود شده و درواقع فعالان اصلی صنعت پتروشیمی را بخش‌های غیردولتی کشور تشکیل می‌دهند. با این شرایط و با توجه به محدودیت‌های قانونی دولت در سرمایه‌گذاری‌های جدید، بدون شک هرگونه توسعه‌ای در این صنعت صرفاً از طریق بخش خصوصی داخلی و خارجی محقق خواهد شد؛ بنابراین ضروری است دولت به عنوان حاکمیت و بخش خصوصی و غیردولتی به‌عنوان مجریان واقعی برنامه‌های توسعه، مناسبات و روابط مابین خود را متناسب با شرایط موجود مورد بازنگری و اصلاحاتی اساسی و انقلابی قرار دهند. متأسفانه مطالعه و بررسی وضع موجود و روند تحولات این صنعت در بخش حاکمیت و اجرا در طول سال‌های گذشته حاکی از عمدتاً تقابل به جای تعامل بین این دو نهاد نقش‌آفرین در صنعت پتروشیمی بوده است. جداسازی بنگاه‌های فعال در صنعت پتروشیمی از بدنه دولت و هم‌زمانی آن با کاهش درآمدها و همچنین آثار نامناسب تحریم‌های اقتصادی بر قدرت مالی دولت باعث شد که بخش حاکمیت در عمل نتواند جایگاه بخش خصوصی را در صنعت پتروشیمی به رسمیت شناخته و بسترهای لازم را برای تعامل و ایجاد فضای اعتماد و امن برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی فراهم کند و ازهمین‌روست که در عمل شاهد موفق‌نبودن برنامه‌های توسعه این صنعت در سال‌های گذشته هستیم. در همین چارچوب عدم اعتماد و تقابل، مفاهیم و ارزش‌های اقتصادی نیز جای خود را به صدارزش‌ها داده و به‌این‌ترتیب فاصله حاکمیت و بخش خصوصی به صورت فزاینده‌ای افزایش یافته است. از مفاهیم و ارزش‌هایی مانند مزیت اقتصادی به‌عنوان رانت اقتصادی، از صاحبان سرمایه به‌عنوان رانت‌جویان و از انتقاد بخش خصوصی به عملکرد دولت، تحت عنوان «عدم توانایی بخش خصوصی در مدیریت بنگاه‌های اقتصادی» و «نقض‌زدن این بخش» تعبیر می‌شود. به‌عبارت دیگر، فاصله زیاد بین بخش خصوصی و حاکمیت و عدم بهره‌مندی‌شان از جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد ملی و تن‌دادن به قواعد جدید بازی، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین راز موفق‌نبودن سیاست‌های خصوصی‌سازی در اقتصاد و به تبع آن، در اقتصاد پتروشیمی است.

در سال‌های تحریم و با توجه به جایگاه صنعت پتروشیمی ایران در بازارهای بین‌المللی و تأثیر درخور توجه آن در این بازارها، صادرات محصولات پتروشیمی ایران سهم قابل‌توجهی در تأمین ارز مورد نیاز کشور داشته است. بنابر آمار ارائه‌شده به وسیله شرکت ملی صنایع پتروشیمی، میزان صادرات شرکت‌های پتروشیمی در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴



این صنعت از یک طرف و بهبود فضای اقتصادی کشور به لحاظ اجرایی‌شدن برجام و رفع تحریم‌های بین‌المللی از طرف دیگر، دستیابی به اهداف برنامه ششم در حوزه پتروشیمی غیرممکن نخواهد بود، ولی بدون شک بسیار سخت و نیازمند توجه ویژه دولت و مجلس به ایجاد بسترهای مناسب برای تحقق این اهداف خواهد بود. برای درک این دشواری کافی است به مقایسه نیاز ۵۰ میلیارددلاری این صنعت در پنج سال آتی (و با شرایط فعلی اقتصاد) با میزان سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در دوره ۹۰-۱۳۷۹ در صنعت پتروشیمی بپردازیم. دراین‌باره در ابتدا لازم است ویژگی‌های اقتصاد کشور در شرایط فعلی را مرور کنیم:

- درحال حاضر دولت نه به لحاظ قانونی و نه به لحاظ توانایی مالی امکان سرمایه‌گذاری در این حوزه را نداشته و در بهترین شرایط حداقل بیش از ۸۰ درصد این حجم از سرمایه‌گذاری صرفاً باید از طریق بخش خصوصی داخلی و خارجی تأمین شود. - به لحاظ قرارگرفتن ایران در گروه کشورهای رتبه شش سرمایه‌گذاری، امکان تأمین فابیناس بدون ضمانت‌های دولتی تقریباً عملی نیست. - محدودیت‌های بانکی و انتقال دانش فنی تا حد زیادی همچنان به قوت خود باقی است. - نرخ تأمین مالی ربایی و ارزی در ایران بسیار بالاست. - قیمت خوراک گاز طبیعی در ایران بالاتر از کشورهای عمده تولیدکننده گاز در منطقه و حتی کشورهای عمده تولیدکننده محصولات گازی است. - قیمت اتان حداقل ۲۵ درصد بیش از قیمت اتان در ایالات متحده به‌عنوان رقیب اصلی در حوزه خوراک و حداقل ۱۶۰ درصد بیشتر از قیمت اتان در کشورهای منطقه به‌عنوان رقیبان اصلی در حوزه محصولات پتروشیمی است. - قیمت خوراک مایع عملاً بدون هیچ‌گونه تخفیفی به شرکت‌های پتروشیمی تحویل می‌شود. درواقع هرچند درصد تخفیف اسمی معادل هزینه‌هایی است که دولت برای صادرات این خوراک متحمل می‌شد. این نکته قیمت‌ها به‌گونه‌ای غیرشفاف تعیین می‌شوند که همواره بالاتر از قیمت‌های واقعی فوب هستند. - فضای کسب‌وکار کشور در وضعیت مناسبی قرار نداشته و رتبه‌ای بهتر از ۱۱۸ ر بین کشورهای جهان نداردیم. - تجربه سال‌های گذشته در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجربه چندان موفق و قابل دفاعی نبوده است. - موارد اشاره‌شده فقط بخشی از ویژگی‌های اقتصادی کشور است که شرایط را برای سرمایه‌گذاری و رشد تولید و تبلور مزیت‌های اقتصادی در حوزه پتروشیمی بسیار دشوار کرده است. هرچند این انتظار وجود ندارد، همه این محدودیت‌ها که بعضاً از اختیارات دولت محترم نیز خارج است، به‌سرعت مرتفع شده و وضعیت و شرایط اقتصادی ایران در مدت کوتاهی به شرایط نیمه اول دهه ۸۰ بازگردد، اما این انتظار حداقلی و منصفانه از دولت است که درباره مواردی نظیر قیمت‌گذاری خوراک واحدهای پتروشیمی به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین عوامل تأثیرگذار در سرمایه‌گذاری، به گونه‌ای غیرانحصاری عمل کند که قیمت‌های تعیین‌شده حداقل بیش از قیمت‌های بین‌المللی نباشد. این درحالی است که انتظار مجلس محترم اندکی فراتر از این بوده و طبق مفاد جزء چهار ماده یک قانون تنظیم مقررات دولت (۲) دولت را مکلف کرده است قیمت خوراک گاز و مایع مجتمع‌های پتروشیمی را به‌گونه‌ای تعیین کند که امکان رقابت‌پذیری محصولات و جذابیت سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی فراهم شود. متأسفانه درحالی‌که سرمایه‌گذاران بخش خصوصی با شرایط و بسترهای نامناسب اقتصادی و فضای کسب‌وکار مواجه‌اند، سیاست قیمت‌گذاری وزارت محترم نفت در حوزه خوراک پتروشیمی، شرایط را برای فعالان این حوزه بسیار سخت کرده است.

به‌هرحال، به‌نظر می‌رسد با درسی که از تجارب گذشته خودمان در میزان موفقیت در توسعه صنایع پتروشیمی آموخته‌ایم و همچنین با بررسی همه پتانسیل‌ها، مزیت‌ها و موانع توسعه در کشور، قطعاً تحقق اهداف برنامه ششم توسعه و نیز سند چشم‌انداز ۱۴۰۰ در صنعت پتروشیمی، اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار و نیازمند عزم جدی و ملی دولت، مجلس و بخش خصوصی و تن‌دادن به سیاست معروف «کمربند را سفت بکنیم»، خواهد بود. **◀قائم‌مقام انجمن صنفی کارفرمایان صنعت پتروشیمی**

پی‌نوشت:

۱- منبع: گزارش‌های سالانه شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران

۲- گزارش‌های سالانه کمرک جمهوری اسلامی ایران

بنزین ستاره خلیج فارس ضامن امنیت انرژی کشور

محمد ابراهیمی، کارشناس نفت

● نگرانی از تأمین سوخت موردنیاز، مختص دولت خاصی نبوده و برطرف‌کردن نیازهای داخلی به سوخت مایع همواره یکی از دغدغه‌های مهم مسئولان بوده است به‌طوری‌که همه دولت‌ها با توجه به جایگاه سوخت در امنیت کشور و نقش پررنگ آن در سبد مصرفی خانوارها، حساسیت ویژه‌ای نسبت به تأمین سوخت مایع داشته‌اند. نقطه اوج این حساسیت‌ها تأمین «بنزین» موردنیاز داخل کشور است. براساس آمارهای موجود در دهه‌های اخیر، هیچ‌گاه فرآورده‌های نفتی ایران به مداوم کفاف میزان مصرف داخلی را نداده و همواره کشور با فزونی مصرف بر تولید مواجه بوده که این عدم‌توازن تاریخی دولت‌ها را به چاره‌اندیشی وادار کرده است. اقدامی که با توجه به دل‌نگرانی‌های ناشی از قدمت و فرسودگی تأسیسات پالایشگاه‌های نفتی و محدودیت واردات بنزین اتخاذ سیاست‌های مبتنی‌بر خودکفایی در تولید به‌منظور رهایی از وابستگی به واردات را ضروری‌تر کرد.

در راستای رفع همین نگرانی‌ها بود که بیش از ۱۰ سال قبل طرح احداث پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس تصویب شد و شرکتی با سهام‌داری شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران به ثبت رسید. پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس به‌عنوان نخستین پالایشگاه طراحی‌شده براساس خوراک میعانات گازی با ظرفیت ۳۶۰ هزار بشکه در روز شامل واحدهای تقطیر، تصفیه گاز مایع، تبدیل کاتالیستی، تصفیه نفتا، ایزومریزاسیون، تصفیه نفت سفید و نفت‌گاز با هدف تولید بنزین، گازوئیل، گاز مایع و سوخت جت در کنار پالایشگاه بندرعباس ساخته شده است و خوراک موردنیازش نیز از طریق خط لوله‌ای به طول بیش از ۴۸۵ کیلومتر از پالایشگاه‌های گازی عسلیوه تأمین می‌شود. این پالایشگاه قرار است در فاز نخست روزانه چیزی حدود ۱۱ میلیون لیتر بنزین پورو ۴،۵ میلیون لیتر گازوئیل پورو ۴،۶ میلیون لیتر نفت سفید پورو ۲ و یک میلیون و ۳۰۰ هزار لیتر ال‌پی‌جی با استاندارد پورو ۴ تولید کند.

استمرار روند احداث این پالایشگاه با اعمال محدودیت‌های بی‌سابقه و تحریم‌های جهانی علیه کشور همراه شد و امر این پیشرفت پروژه پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس را کند کرد. اما تمام این محدودیت‌ها باعث توقف کامل پروژه نشد و گشایش فضای اقتصادی و سیاسی کشور که به لطف توافق هسته‌ای ایجاد شد، تمام سریع‌تر فازهای عملیاتی این پالایشگاه را تسهیل کرد به‌طوری‌که عباس کاظمی، معاون وزیر نفت در امور پالایش و پخش در سخنان چند ماه قبل خود ضمن ابراز رضایت از پیشرفت بیش از ۹۰درصدی این پروژه در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، از رفع موانع ورود تجهیزات اصلی پس از اجرای برجام خبر داد و اظهار کرد با توجه به فضای ایجادشده و اهتمام دولت تا پایان امسال پس از ورود فاز نخست پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس به مدار تولید، کشور از واردات بنزین بی‌نیاز می‌شود.

البته سخنان اخیر معاون وزیر نفت نظر بر آغاز تولید بنزین به وسیله پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس و وارد مدار شدن این طرح ملی در ابتدای سال ۱۳۹۶ بود. دراین‌حال، با وجود موکول‌شدن تولید بنزین پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس به سال آینده که البته خبر خوشی در مسیر تأمین نیاز بنزین داخل کشور نبود؛ با پیگیری متخصصان، واحد تقطیر فاز نخست پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس چندی‌قبل افتتاح شد. همچنین راساس اعلام وزارت نفت، مقرر شد فازهای دوم و سوم نیز در بازه‌های زمانی شش و ۱۲ ماه بعد از فاز اول وارد مدار شده تا ظرفیت تولیدی بنزین این پالایشگاه در نهایت به روزانه ۶۶ میلیون لیتر بنزین برسد، به‌این‌ترتیب «به‌شرط تحقق پیش‌بینی‌ها» و «عدم تعویق در بهره‌برداری» از فازهای مختلف این طرح، ایران که امروز به صادرکننده نفت‌گاز و نفت‌کوره تبدیل شده است، به زمره کشورهای صادرکننده بنزین هم می‌پیوندد.

اهمیت راه‌اندازی پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس آنجا نمایان تر می‌شود که حجم واردات روازه بنزین بالغ بر ۱۰ میلیون لیتر بنزین به کشور، در کنار برنامه تولیدی فاز اول پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس به‌میزان روزانه ۱۱ تا ۱۲ میلیون لیتر قرار گیرد.

پرواضح است در صورت وارد مدار شدن تولید بنزین این پالایشگاه، عملاً نیاز کشور به واردات بنزین قطع شده و منافع بسیاری از این رهگذر نصیب کشور خواهد شد.

حال که به لطف سیاست‌های کلان و تأکید بر پیشبرد برنامه‌های اقتصاد مقاومتی، موفقیت‌های درخور توجهی در صنایع بالادستی نفت عاید کشور شده است و تکمیل پروژه پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس نیز در ردیف «طرح‌های واجد اولویت» وزارت نفت در بخش صنایع پایین‌دستی قرار گرفته، لازم است پیگیری‌ها برای رفع موانع راه‌اندازی کامل پروژه پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس (که عمدتاً معطوف بر مشکلات موجود بر سر تأمین منابع مالی است) با نگاهی فرادولتی همراه شده تا این‌بار کشور در صنایع پایین‌دستی نفت نیز صاحب پیشرفت‌نی درخور توجه شود. پیشرفتی که علاوه بر ارتقای اعتمادبه‌نفس داخلی، کشور را از واردات بنزین بی‌نیاز کرده و مانع از خروج ارز و سرمایه ملی از کشور می‌شود و امنیت انرژی کشور را تضمین می‌کند.